

مجله زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال ششم - بهار و تابستان ۱۳۸۷

ردپای اساطیر در داستان شیر و گاو از کلیله و دمنه

دکتر مختار کمیلی* - منصوره آرین فر**
استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ولی عصر (عج)

چکیده

حمله ی شیر به گاو در کلیله و دمنه (پنج‌تترا) با اسطوره ی هندی «سوما و میترا» و اسطوره میترای «گاو و میترا» و نیز اسطوره ی زردشتی «گاو و اهریمن» وجوه مشترکی دارد و این مطلب را به ذهن متبادر می کند که در ذهن سازندگان داستان، اساطیر ناخودآگاه فعالیت کرده اند و کارکرد شیر و گاو اسطوره ها را به قهرمانان این داستان منتقل نموده اند (حاصل خیزی طبیعت). شیر خورشید است و گاو، طبیعت سرسبز که بی اعمال قدرت خورشید، حیات جریان ندارد.
واژگان کلیدی: اسطوره، کلیله و دمنه، شیر، گاو، میترا، سوما، ریبهو، ویشنو، حاصل خیزی.

*Email: mokhtar.komaily@gmail.com

**دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

تاریخ پذیرش: ۸۷/۴/۳۰

تاریخ دریافت: ۸۷/۱/۲۵

مقدمه

محمد جعفر محجوب، اصل داستان های کلیله و دمنه را با ذکر دلایلی چون وجود نسخه ی هندی این کتاب، به نام «پنجانتترا» و مسافرت برزویه ی طبیب به هند، برای آوردن این اثر به ایران، متعلق به سرزمین هند می داند (محجوب، ۱۳۳۶: ۱۶-۱۱).

ایرانیان و هندوان آریایی، سالیان متمادی با گله داری و دامپروری، در کنار هم زندگی کردند و در مهاجرت به سرزمین های گرمسیر، از مناطق آسیای مرکزی به آسیای میانه روی آوردند، تاهزاره ی سوم قبل از میلاد که آغاز جدایی ایشان از یکدیگر است. این نظریه را اسطوره شناسان خارجی (بویس، ۱۳۷۴: ۱۷) و داخلی (بهار، ۱۳۷۴: ۱۱) ارائه می دهند.

پس از جدایی تدریجی، گروهی در هند و شاخه ای در نجد ایران ساکن شدند. بنابراین می توانسته اند، خدایان مشترک داشته باشند یا جلوه ی خدا و خدایان، در قالب حیوان و گیاه، در نزد ایشان مشترک باشد.

«اصولاً اسطوره همان مذاهب منسوخ ملل کهن است که شاید دیگر کسی را به صورت خود آگاه بدان اعتقادی نباشد اما در رفتار های ناخودآگاه فردی و جمعی ملت ها آشکار و جلوه گر می شود» (کزازی، ۱۳۷۳: ۵۰).

از این رو، این مقاله به تبیین تأثیر اسطوره های هند و ایران در حکایت "شیر و گاو" از کلیله و دمنه می پردازد و در صدد اثبات آن است که خاطراتی ازلی از اسطوره ها و کهن الگوهای هند و ایران و حتی جهان، به صورت ناخودآگاه در بستر قصه هایشان جاری است تا جایی که اگر جای حیوانات عوض شود یا حیوانات دیگری بیابند، گویا داستان روال منطقی اسطوره ای خود را از دست می دهد.

طرح بحث:

داستان شیر و گاو از باب الاسد و الثور حکایت شیری است که با توطئه و وسوسه های شغالی به نام دمنه گاو را می کشد.

با نگاهی به اسطوره های باستانی دلیل گردهم آمدن و عملکرد این حیوانات با هم، مشخص می شود. شغال بنا به وظیفه ی اسطوره ای مقیم دربار خدایان است. دهخدا در لغت نامه، ذیل لغت شغال می گوید «شغال همان شوعال عبری است و شوعال در عبری به معنای روباه است». در برخی اسطوره ها روباه مظهر نیروی فوق طبیعی است. این حیوان پیام آور برخی از خدایان است و از درب معابد آن ها محافظت می کند. از روباه به سبب حيله گری و آزار رسانی می ترسیدند و برای آرامش او هدایایی تقدیم می کردند (هال، ۱۳۸۳: ۵۰). در مورد شیر و گاو به اسطوره های همانند یا مشابه اشاره می کنیم:

آیین میترا: اسطوره ی میترا بدین شرح است که میترا به خواست ایزدان به گاو نخستین حمله می کند و پس از جذایی سخت آن را گرفتار می سازد و در حالی که بر پشت گاو سوار است به غاری می رود. گاو در فرصتی مناسب فرار می کند و به بیشه زاری می رود. خورشید، پیک خود، کلاغ یا شاهین را نزد میترا می فرستد و مخفی گاه گاو را به او نشان می دهد. بدین ترتیب بار دیگر میترا گاو را می گیرد و به اکراه آن را قربانی می کند. پس از این کشتار خون گاو ریخته بر روی مزارع گندم باعث نیرومندی آن می گردد و از دم او خوشه می روید (رضی، ۱۳۸۱، جلد ۱: ۳۸۰).

آیین زرتشت: در اوستا کشتن گاو نخستین به اهریمن منسوب است. پس از آنکه گاو نخستین به دست اهریمن می میرد به سبب داشتن طبع گیاهی از اندام های او ۵۵ نوع غله و ۱۲ نوع گیاه شفا بخش از زمین می روید. مرداد امشاسپند نطفه ی گاو را به ماه می برد و آن را با ماه می پالاید و به صورت نمونه های انواع گوناگون حیوانات مفید مرتب می کند و جان در تن آن ها می دمد.

در ایرانویچ دو گاو به وجود می آید یکی نر و یکی ماده و از انواع حیوانات مفید ۲۷۲ نوع در زمین ایجاد می شود (کریستین سن، ۱۳۸۳: ۲۰).

آیین هندی: سوما در ودا گیاهی است نیرو بخش که با نوشیدن شیره ی آن خدایان به حیات جاودانی دست می یابند و انسان ها که هیچ گاه آنان را از مرگ جسمانی گریزی نیست، روان خود را ابدی می سازند. برای دست یافتن به سوما و رسیدن به آب حیات خدایان ناچار بایستی سوما را به قتل برسانند. از میان ایشان، وایو (خدای باد) به انجام این قتل حاضر است. وارونا (خدای آب) نیز در این قتل شریک است. میترا ابتدا رضایت نمی دهد زیرا نگران است که پس از این جرم زشت گاو و گوسفندانش از او روی بگردانند ولی آخر به این کار تن می دهد تا سهمی از قربانی نیز بدو برسد (در افسانه های ودایی سوم هم ماه است و هم خدای ماه).

در باره ی متون ودایی مربوط به میترا پروفیسور «لمل» تحقیقاتی وسیع دارد. به نظر ایشان گیاه سوما خدای زندگی و آب حیات است. در واقع همان باران است که از ماه به زمین می ریزد و رشد گیاهان را سبب می شود. سوما تخم گاو آسمانی است که زمین را زایا می کند و شیر، گاو آسمانی است که به مردمان غذا می رساند و نتیجه می گیرد که در این قربانی، سوما نه فقط گیاه بلکه خود گاو است و کشتارگاو اسطوره ای است مربوط به زمان پیش از زرتشت. بعدها زرتشتیان با پذیرفتن میترا به عنوان یکی از ایزدان خویش، کشتن گاو اولیه را به دست او قبیح شمرده، این کار زشت را به اهریمن وا گذاشتند (صمدی، ۱۳۶۷: ۱۴۶-۱۴۵).

تحلیل با کمک دیگر اساطیر هند و ایرانی :

در اسطوره ی زرتشت، اهریمن جایگزین میترا شده است. پرفسور لمل (Lomel) می گوید: «کشتار گاو اسطوره ای است مربوط به زمان پیش از زرتشت و بعدها زرتشتیان با پذیرفتن میترا به عنوان یکی از ایزدان خویش، کشتن گاو اولیه را به دست او قبیح شمرده، این کار زشت را

به اهریمن واگذاشتند. به این ترتیب هر ساله پیروان میترا طی مراسمی گاو مقدس را می کشند که خون او تداوم حیات در طبیعت را باعث می شود» (همان: ۱۴۶).
در تفسیر نمادین این اسطوره ها، انگیزه ی اصلی مراسم قربانی گاو، آغاز بهار است. چرا که بر اثر کشته شدن گاو، خورش بر زمین جاری می شود و بدین ترتیب گیاهان می رویند و حیات نیرو می گیرد. این رویداد طبیعی در آثار ادبی ما به صورت ورود خورشید به برج ثور (گاو) آمده است.

چو خورشید بر زد سر از برج گاو ز گلزار بر شد خروش چکاو
(فردوسی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۷۲)

خدای گاو: در هر سه اسطوره، گاو کشته می شود. در تأیید سخن پروفیسور «لمل» (برابری گاو و سوما) به دیگر اساطیر هند، مراجعه می کنیم:
«ایندرا» خدای حاصل خیزی هندوان که آزاد کننده ی گاوان ابر از دست اژدهای خشک سالی است، خود به شکل گاو جلوه می کند (بهار، ۱۳۸۶: ۴۶۹-۴۶۱).
در اسطوره ی ریبهوها (Ribhu)، پسران ایندرا، از آنان به عنوان آفریننده ی ماده گاو فراوانی ساکن آسمان ایندرا و برکت بخش یاد می شود. آنان رویاننده ی گیاهان، حفر کننده ی آبراه برای رودها و سازنده ی چهار جام سومه (این جام ها بیان کننده ی حالات ماه هستند) و سازنده ی گردونه ی ایندرا نیز می باشند (ایونس، ۱۳۸۱: ۲۴).

اگر چهار جام سومه بیانگر حالات چهار گانه ی بدر، قرص کامل، بدر دوم و محاق ماه هستند، به عبارت روشن تر، سومه همان ماه است. از آن جا که «گردونه ی خدای ماه را گاو می کشد و صفت باروری هم که به ماه نسبت داده می شود، از خصوصیات گاو می گردد»، (صمدی: ۲۴) گاو به عنوان نماد ماه (سومه) و آب پذیرفته شده است و با آن برابر می گردد.

از طرفی، پسران ایندرا (فرزندان خدای گاوی) گاو و رویاننده‌ی گیاهان و آب و ماده گاو فراوانی معرفی می‌شوند، پس آفریده‌ی دیگر آن‌ها، سومه (ماه) نیز با آب و نماد آن (گاو) یکسان می‌گردد و دلیل قوی‌تر این که سومه یا ماه، با آب و جزر و مد آن، در ارتباط مستقیم است.

در اسطوره‌ی «شیوا»، یکی از خدایان تثلیث هندوان، که با نماد گاو تصویر می‌شود (ایونس، ۱۳۸۱: ۶۶)، سومه بر تارک وی جای دارد و در واقع چشم سوم این خدای گاوی است (شایگان، ۱۳۵۶: ۲۵۶).

اصرار بر اثبات یگانگی گاو و آب و ماه، برای توجیه نتیجه‌ی اساطیر ایرانی و هندی است که خون گاو ر باعث تداوم حیات می‌داند. اگر گاو، آب است، علت رویش گیاه می‌شود و گیاه به نوبه‌ی خود، حیات جانداران و از جمله، انسان‌ها را در بر دارد. با مرگ جانداران غذای گیاهان فراهم می‌شود، به شرطی که باران بیارد.

نقوش سفالینه‌ای که گیاه از تن شاخ داری بدمد، نتیجه‌ی تکامل عقیده‌ی کهن تری مربوط به یک گاو نر است که به موجب افسانه‌ها از او گیاهان مختلف روئیده است. از آن جا که «این نقوش در آثار هنری موهنجودارو (در دره‌ی سند) و هاراپا (در پنجاب) بسیار است و بعدها در اثر روابط بازرگانی، به نقوش سفالی ایران و بین‌النهرین راه یافته است»، ادعای فوق اثبات می‌شود (قرشی، ۱۳۸۰: ۸۷)

و چرا گاوقربانی، منشأ این برکات است؟

اعتقاد به این امر در اسطوره‌ها، خود ریشه‌ای اسطوره‌ای دارد:

الگوی قربانی و زایش زندگی از آن در بسیاری اسطوره‌های ملل یافت می‌شود. در بابل، چین، هند و ایران، موجودی ازدهافش یا غول آسا قربانی می‌شود و از اندام‌هایش، مناطق مختلف جهان و کل آفرینش به وجود می‌آید. این موجود معمولاً، خود، خداست. (الیاده،

۱۳۷۸: ۳۴) و در آیین های مذهبی اقوام مختلف، چون سووشون در ایران، خدای گیاهی وجود دارد که می میرد و دوباره زنده می شود؛ همان گونه که ماه (گاو، گیاه سومه) مرگ و تولید دوباره دارد. پس قربانی شدن گاو، از الگوی دراماتیک جهان پیروی می کند.

ماه نیز که با گاو برابر می شود، اولین خدایی است که مورد پرستش آریاییان بوده است که سر به سوی آسمان داشته اند؛ مسیر خود را از روی حرکت آن تنظیم می کرده اند و آب و برکت را از وی می طلبیده اند. به قول بهار، جلوه‌ی این خدا، یعنی گاو، جد همه‌ی خدایان هندوان کهن بوده است (بهار، ۱۳۷۴: ۳۲).

میترا یا شیر: میترا، هم در ایران و هم در هند، به عنوان ایزد آفتاب پرستش شده است (بویس، ۱۳۷۴: ۸۸). یکی از خصوصیات برجسته‌ی میترا/ میثرا، استوار نگه داشتن اصل اعتقادی عمده‌ی هند و ایرانیان یعنی رتا/ رشا است و مراد از آن نظم کیهانی است که سبب می شود روز جای شب را بگیرد و فصل ها دگرگون شوند و یا نظم قربانی کردن که سبب می شود آهنگ طبیعت نیرو گرفته و ادامه یابد. (همان: ۴۸)

در پیکره‌های مهر، شیر بر سینه‌ی میترا نقش بسته است یا این خدای مهری با کله‌ی شیر تصویر می شود.

و سرانجام تصورات نجومی ما که خانه‌ی شرف خورشید را برج اسد(شیر) می داند، بیانگر همین مدعاست که شیر همان خورشید(میترا) است.

از این نظر، حمله یا کار ویژه‌ی شیر، همان اعمال نظم و قانون میتراست و مشهود است که بعد از مرگ گاو در داستان، حیات همچنان ادامه می یابد.

از طرفی در اساطیر هند شیر نماد درنده خویی یکی از خدایان است «تصاویر شیر بر روی اشیای هنری یونانی و هندی نشان دهنده‌ی یک خدای خورشیدی است» (هال، ۱۳۸۳: ۵۰).

"ویشنو"، خدای خورشید - هم تراز با میترا - و خدای مهم دیگری از تثلیث هندوان، به شکل شیر جلوه می کند (آیونس، ۱۳۸۱: ۲۰۹).

در این تثلیث برهما، مفهوم کلی آفرینش است و با نماد خاصی تصور نمی شود؛ شیوا با نماد گاو و ویشنو با نماد شیر، دست اندر کاران خلقت هستند. این جاست که در اساطیر هند نیز، شیر نماد خورشید می گردد.

نتیجه

غلبه ی شیر بر گاو، نمایانگر دوره‌ای است که این اقوام بیابانگرد، در آسیای میانه و سپس در ایران و هند ساکن شدند و به زراعت روی آوردند. آن زمان بود که به اهمیت خورشید در امر کشاورزی پی بردند.

در واقع منطق اسطوره‌ای، حمله ی شیر به گاو و مغلوب شدن آن را دوره‌ای تفسیر می کند که خدای خورشید، جایگزین خدای ماه می گردد و رسالت رویاندن گیاه را در اسطوره‌ی حیات بر عهده می گیرد. یا به قول پورفیر که می گوید: میترا سوار بر گاو است، زیرا گاو آفریننده است و میترا مالک آفرینش (ورمازن، ۱۳۷۵: ۱۰۰) شیر در عمل آفرینش دخالت می کند و هر دو خدا، یعنی شیر و گاو، کارکرد ویژه‌ای در اسطوره‌ی برزیگری جهان ایفا می کنند.

به نظر می رسد، یکسانی موضوع حمله ی شیر به گاو در داستان کللیله و دمنه و اسطوره‌های ایرانی و هندی، امری تصادفی نباشد و درحقیقت این دو شخصیت خدایی اساطیر، رسوبات ذهنی و خاطرات اولیه و آرکی تایپ‌های قوم هندو بوده‌است که در کللیله و دمنه، به صورت دو قهرمان داستانی خود را نشان داده اند و مورد پذیرش قوم دیگر آریایی نژاد، یعنی ایرانیان واقع شده اند.

به این ترتیب و بنا بر منطق اسطوره ها، انزجار از شیر مستبد از وجودمان رخت بر می بندد و قبیح حمله به گاو بی گناه در دیدگانمان فرو می ریزد.

منابع

- ۱- آیونس، ورونیکا (۱۳۸۱) اساطیر هند. ترجمه باجلان فرخی. چاپ دوم. تهران: اساطیر.
- ۲- الیاده، میرچا (۱۳۷۸) اسطوره بازگشت جاودانه. چاپ اول. تهران: فکر روز.
- ۳- بویس، مری (۱۳۷۴) تاریخ کیش زرتشت. چاپ اول. ترجمه همایون صنعتی زاده. تهران: توس.
- ۴- بهار، مهرداد (۱۳۷۴) جستاری چند در فرهنگ ایران. چاپ دوم. تهران: انتشارات فکرروز.
- ۵- ——— (۱۳۸۶) پژوهشی در اساطیر ایران. پاره ی نخست و دوم. چاپ ششم. تهران: آگاه.
- ۶- رضی، هاشم (۱۳۸۱) آئین مهر. ۲ جلد. چاپ اول. تهران: بهجت.
- ۷- شایگان، داریوش (۱۳۵۶) ادیان و مکتب های فلسفی هند. ۲ جلد. چاپ دوم. تهران: امیر کبیر.
- ۸- صمدی، مهرانگیز (۱۳۶۷) ماه در ایران. چاپ اول. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۹- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۴) شاهنامه. به کوشش سعید حمیدیان. ج ۲. تهران: نشر قطره.
- ۱۰- قرشی، امان الله (۱۳۸۰) آب و کوه در اساطیر هند و ایران. تهران: هرمس.
- ۱۱- کریستین سن، آرتور (۱۳۸۳) نمونه های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه های ایرانیان. ترجمه ژاله آموزگار - احمد تفضلی. چاپ دوم. تهران: نشر چشمه.
- ۱۲- کزازی، میر جلال الدین (۱۳۷۲) رویا، حماسه، اسطوره. چاپ اول. تهران: مرکز.
- ۱۳- محجوب، محمد جعفر (۱۳۴۹) در باره ی کلیله و دمنه. چاپ دوم. تهران: خوارزمی.

۱۴- ورمازن، مارتن (۱۳۷۵) آئین میترا. ترجمه بزرگ نادرزاده. ج ۲. تهران: انتشارات چشمه.

۱۵- هال، جیمز (۱۳۸۳) فرهنگ نگاره ای نمادها در هنر شرق و غرب. ترجمه رقیه بهزادی. چاپ دوم. تهران: فرهنگ معاصر.

